



# لطایف عرفانی در منهاج الولاية

حبيب الله عظیمی

بود. پس از آن گروهی از علما و دانشمندان مسلمان از عرب و عجم، شیعه و سنی، هر کدام به میزان وسع و جهد خود به این وظیفه مهم قیام کردند. در این میان گروهی به شرح و تعلیق تمامی این کتاب پرداختند، عده‌ای به شرح مشکلات آن و گروهی به شرح خطبه‌ها یا نامه‌ها یا کلمات قصار، یا شرح منتخبی از هر سه قسم و یا ترجمه تمام یا بخشی از آن به زبانی دیگر پرداختند؛ به گونه‌ای که مجموع این کتابها و رساله‌ها در ترجمه و شرح نهج البلاغه بالغ بر صد عنوان شد<sup>۱</sup>.

محدث نوری در مستدرک الوسائل<sup>۲</sup>، شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعة<sup>۳</sup>، سید اعجاز حسین در کشف الحجب<sup>۴</sup>، عبدالعزیز جواهر الکلام در فهرست معارف<sup>۵</sup>، ابن یوسف در فهرست سهسالار<sup>۶</sup>، ملاعلی واعظ تبریزی در وقایع الآیام و سید هبة الدین شهرستانی، هر کدام از این بزرگان، تعدادی از شروح نهج البلاغه را نام برده‌اند.

در اینجا به تطبیق ویژگی شرح منهاج الولاية عبدالباقی صوفی تبریزی با ویژگیهای شروح دیگر، اشارت می‌کنیم.

## شیوه نگارش منهاج الولاية فی نهج البلاغه

با بررسی و تطبیق شروح متعدد و مختلفی که بر نهج البلاغه نگاشته شده است، چنین بر می‌آید که هر کدام، از یک یا چند ویژگی خاص برخوردار است. برخی از آنها، بیشتر جنبه کلامی دارد، همچون شرح ابن ابی الحدید؛ و در برخی دیگر جنبه حکمی تفوق دارد، همانند شرح ابن میثم؛ و در برخی جنبه اخباری و روایی نمایان است، همچون شرح گلستانه؛ و برخی نیز مذاق عرفانی و حکمی دارد همچون شرح ابن عتاقی، شرح محلی و شرح روغنی فزونی؛ و تعداد کمی نیز به ترتیب موضوعات است، همچون شرح میرزا خلیل کمراهی. اما شرحی که در بردارنده تمامی جوانب و یا جمع بیشتری از

## تدوین نهج البلاغه

نهج البلاغه در ظهور و شأن و مرتبت همچون خورشید نورانی در غایت روشنی روز است که تمامی مردمان آن را به وضوح می‌بینند و همه کائنات از نور آن بهره می‌گیرند، نهج البلاغه در شهرت نیز چنین است. همه افراد نوع بشر از معارف والای آن نور و روشنایی می‌گیرند؛ زیرا سرچشمه آن وحی الهی است و در تبلیغ و تعلیم «تالی قرآن» و «اخ القرآن» است؛ و کوتاه سخن اینکه «نهج البلاغه فروتر از کلام خالق و فراتر از کلام مخلوق است».

سخنانی که علی بن ابی طالب (ع) در خطبه‌ها می‌فرمود، نخست در سینه‌ها و حافظه‌های گروهی از یاران ایشان ثبت و نگهداری می‌شد و سپس بدون نظم و ترتیبی خاص کتابت می‌شد [و چه بسا برخی از آنها نیز معاصر با امیرالمؤمنین با ترتیب و نظمی خاص به تألیف می‌رسید، همچون کتاب الخطب تألیف ابوسلیمان زید جهنی] و پس از آن به سایر کتبی که خطبه‌های امام در آنها گرد آمده بود، منتقل می‌شد.

در زمان حیات شریف رضی (۳۵۹-۴۰۶ ق.) این اصول معتبر و کتابهای قابل اعتماد در کتابخانه وزیر شاپور بن اردشیر در بغداد و با نظارت ایشان گردآوری و نگهداری می‌شد. شریف رضی با استفاده از آن منابع، منتخب خود از منشآت امیرالمؤمنین را در سه بخش: خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها مرتب کرد؛ و چون طریق واضح هر کدام از این منشآت، ابواب بلاغت را به دیده و اندیشه ناظر می‌گشود، آن را نهج البلاغه نام گذارد.

## شرح نهج البلاغه

از آنجا که منشآت اختیار شده امام علی (ع) در سه بخش نهج البلاغه، در مراتب و درجات اعلاى بلاغت و دور از ادراک فهم بسیاری از طبقات بود، از این رو تعلیق و تحشیه، شرح و تفسیر و ترجمه آن به سایر زبانها ضروری

۱. علامه امینی در کتاب الغدير بالغ بر ۷۰ شرح و عبدالزهراء خطیب حسینی در کتاب مصادر نهج البلاغه و آسانیده حدود ۱۹۰ شرح از شروح نهج البلاغه را نام می‌برد.

۲. ج ۳، ص ۵۱۳.  
۳. ج ۱۴، ص ۱۱۳.  
۴. ج ۳، ص ۵۱۳.  
۵. ج ۱۴، ص ۱۱۳.  
۶. ج ۲، ص ۱۲۴.



ابواب دهم و دوازدهم کتاب را بدون شرح می گذارد. سپس در پایان شرح، کلام مولایش علی در مورد صحابی سالک «همام» - آن هنگام که با شنیدن اوصاف متقین به ملاقات معشوق شتاب گرفت - را مصداقی دیگر می بخشد که «هكذا تصنع المواعظُ البالغة بأهلها:»<sup>۹</sup> اینچنین کند پندهای رساننده و تمام، به اهل آن! و گویا همچنین تعدد دارد تا ابواب کتاب را به «دوازده» برساند، اگرچه حکایت همچنان باقی می ماند و این خود نیز رمز و رازی عرفانی را در تقدس داشتن عدد «دوازده» به جای می گذارد. و چه بسا آن، اشارتی و تأکیدی باشد بر ارادات این مرید به ولایت داران مطلقه امامت و جانشینان مقام ختمی مرتبت!

می توان گفت منهج الولاية در میان سایر شروح نهج البلاغه مقام جامعیت و کمال را دارد و بیننده سالک را به معراج قرب در معارف امام الموحّدین می رساند.

## ابواب منهج الولاية

عبدالباقی، مطالب نهج البلاغه را در دوازده موضوع به شرح و تفسیر کشانده و هر یک را در بابی خاص قرار داده است. وی در هر باب از شرح خود، خطبه هایی از نهج البلاغه در آن موضوع - و در موارد کمی نیز کلمات قصار و نامه های حضرت - را انتخاب کرده و پس از بیان عبارات کوتاه یا چند عبارت از خطبه مذکور به شرح و تفسیر آن پرداخته است. شرح برخی از عبارات نهج البلاغه را با تفصیل بیشتر، و شرح برخی دیگر از عبارات را کوتاهتر، و در موارد معدودی نیز فقط به ترجمه عبارات اکتفا کرده است؛ و بیشتر مطالبی که از کتب عرفانی نقل کرده است، به زبان عربی است.

گسترده‌گی و تفصیل مطالب در ابواب مختلف کتاب نیز یکسان نبوده و مباحث برخی از ابواب - همچون باب اول و دوم - بسیار مفصل و طولانی تر از مباحث در دیگر ابواب است. ابواب دوازده گانه کتاب چنین است:

**الباب الأول:** فی تحمید الله تعالی و توحید ذاته و اسمائه و صفاته العلی و بیان عجائب صنائعه  
این باب، از گسترده ترین ابواب کتاب [از جهت حجم و گسترده‌گی مباحث] است، و در آن هفت خطبه نهج البلاغه مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است و بیشتر مباحث این باب، اختصاص به شرح خطبه اول دارد.

**الباب الثاني:** فی نعمت رسول الله و آله و مناقب ما جاء به من نعوت القرآن و أوصاف الإسلام  
این باب، پس از باب اول، گسترده تر و طولانی تر از ابواب دیگر کتاب است، و شرح و تفسیر بیست خطبه را در بر دارد.

آن ویژگیها باشد و مذاقهای مختلف عرفانی، حکمی، کلامی، اخباری و ادبی - خصوصاً به ترتیب موضوعات - در آن گرد آمده باشد، کمتر به مرتبه ظهور و عیان و به رشته تألیف و تحریر درآمده است.

شاید بتوان این مقام جامعیت و کمال را در شرح منهج الولاية فی نهج البلاغه تألیف عبدالباقی صوفی تبریزی مشاهده کرد. عبدالباقی، آنجا که موضوع «توحید ذات باری تعالی» و «صفات رسول و آل او» را در دو باب نخست کتاب بررسی می کند، با استناد به متون احادیث و روایات معصومین - علیهم السلام - و با استمداد از اقوال محققین از عرفا و حکما، همچون ابن عربی، صدرالدین قونوی، روزبهان بقلی شیرازی، امام قشیری، خواجه نصیر طوسی و با استشهاد به اشعار شاعرانی عارف، همچون مولانا، عطار، شیخ محمد شبستری، ابن فارض و قاسم<sup>۷</sup> به شیوه ای جامع و با ترکیبی از عرفان و حکمت و اخبار، عبارات بلند و عمیق امام الموحّدین را در معراج ذهن و اندیشه بشری به تفسیر می کشاند.

عبدالباقی، در تحقیق موضوعات اخلاقی همچون «علم و هدایت و دین، صفات متقین، حکمت و ادب، و صایا و نصایح، اعراض از دنیا، مذمت کبر و نکوهش ظلم» در عبارات ابواب سوم تا نهم نهج البلاغه با استناد به روایات و احادیث دیگری از معصومین - علیهم السلام - و با استمداد از اقوال و عبارات و حکایات عارفان و اشعار اخلاقی شاعران، با تعمیم مذاق عرفانی و اخلاقی و روایی خود به سیر و سلوک و عروج در اندیشه بشری ادامه می دهد. و آنجا که «معاد و احوال موت و قبر» را در نهج البلاغه در باب یازدهم کتاب جستجو می کند، از عرفان و حکمت و کلام و حدیث در تفسیر عبارات امام المتقین مدد می گیرد؛ شبهات کلامی معاد را پاسخ می گوید؛ در حدیث مشهور و عمیق «مواقف پنجاه گانه قیامت»<sup>۸</sup> به تفصیل به تبیین و تفسیر عرفانی ابن عربی از شرح «حدیث مواقف» می پردازد، و آن گاه با استمداد از مولایش علی (ع) از پلهای هفتگانه جهنم، که آخرین مواقف قیامت است، عبور می کند و به بهشت و مراتب و درجات آن می رسد، و در جنت دیدار معبود و تکلم معشوق با عاشق، در آخرین مراتب صعود و معراج انسانی قرار می یابد.

عبدالباقی، آنجا که می باید قوانین عدالت و سیاست در نهج البلاغه را در باب دهم کتاب و ادعیه نهج البلاغه را در باب دوازدهم و آخرین باب کتاب، تفسیر کند، شرح را ناتمام می گذارد و گویا پس از بیان تکلم معشوق با عاشق در باب معاد، دیگر تاب نمی آورد و با فریادی «همام» وار مدهوش می شود و با پرواز به معراج ملکوت،

۷. معین الدین علی بن نصیرین هارون حسینی متخلص به قاسم (۷۵۷-۸۳۷ ق.) شاعر و از مشایخ صوفیه و از پیروان خاندان شیخ صفی الدین اردبیلی است.

۸. عن عبدالله بن مسعود قال: كنت جالساً عند علي بن أبي طالب (ع) و عنده عبدالله بن عباس و حوله عدة من أصحاب رسول الله (ص) فقال علي (ع): قال رسول الله (ص): «إن في القيامة لخمسين موقفاً، كل موقف منها ألف سنة...» حديث مواقف در باب یازدهم کتاب بتفصیل ذکر شده است.

۹. نهج البلاغه، عبارات پایانی خطبه ۱۹۳



**الباب الثالث: في شرف العلم والهدى وأوصاف أصناف العلماء**

در این باب چهار خطبه و یک حکمت شرح و تبیین شده، و مباحث آن به نسبت کوتاه و مختصر است.

**الباب الرابع: في التقوى و صفات المتقين و شعار الأولياء و الصالحين**

این باب، از کوتاهترین ابواب کتاب است، و در آن فقط یک خطبه شرح شده است.

**الباب الخامس: في طرائف الحكم و لطائف الأمثال و الآداب**

در این باب، نه حکمت و بخشی از یک خطبه شرح و تفسیر شده است و مطالب آن همچون ابواب بعدی کوتاه است.

**الباب السادس: في الوصايا و النصائح الشافية و التذكير و الزواجر**

این باب تفسیر شش خطبه و یک نامه را بردارد.

**الباب السابع: في الإعراض عن الدنيا الفانية و الإقبال على الآخرة الباقية**

در این باب هشت خطبه و سه حکمت، شرح و تبیین شده است.

**الباب الثامن: في مذمة الكبر و الفخر و الحسد و توبيخ المتكبرين المتفاخرين**

این باب، مشتمل بر شرح و تفسیر سه حکمت و سه خطبه - و از آن جمله خطبه قاصعه - است.

**الباب التاسع: في مذمة الظلم و الظالمين و كل من خالف الهدى و الدين**

در این باب، خطبه طولانی «ششقیه» (خطبه ۳) شرح و ترجمه شده و پس از آن، نوزده خطبه بدون شرح و ترجمه ذکر شده است.

**الباب العاشر: في قوانين العدالة و الحكم و السياسة المدنية**

این باب، نامه امام علی (ع) به مالک اشتر (نامه ۵۳) را بدون شرح و ترجمه در بردارد.

**الباب الحادي عشر: في المعاد و أحوال الموت و القبر و أهوال الحشر و القيامة و دخول الجنة و النار**

این باب مشتمل بر شرح و تفسیر هفت خطبه است، و مباحث آن کوتاهتر از ابواب اول و دوم و طولانی تر از سایر ابواب کتاب است.

**الباب الثاني عشر: في الدعاء**

در این باب، شش خطبه کوتاه و یک حکمت در دعا، بدون شرح و ترجمه نگاهشته شده است.

مطابق با تصریح صاحب ریاض العلماء و نقل قول صاحب مستدرک الوسائل از ایشان<sup>۱۰</sup>، عبدالباقی بر اتمام

این شرح توفیق نیافته و در ابواب کوتاه و پایانی کتاب، شرح را ناتمام گذارده است. تحقیق و بررسی در نسخه های خطی کامل از این شرح - تا حدودی که در دسترس نگارنده قرار گرفته - خود تأیید و تأکیدی بر همین نظر است؛ زیرا تعدادی از خطبه ها در باب نهم و تمامی ابواب دهم و دوازدهم کتاب بدون شرح مانده است، اگرچه نامه و خطبه های کمی از نهج البلاغه در این دو باب ذکر شده است.

### مؤلف منهاج الولاية

جمال السالکین عبدالباقی خطاط صوفی، متخلص به «باقی» و ملقب به «دانشمند»، فاضل و عالم و محقق و شاعر و ادیب تبریزی الاصل و ساکن در بغداد بود. وی معاصر با شاه عباس صفوی (سلطنت به سالهای: ۹۶۶-۱۰۳۸) و وفات او پس از فوت شاه عباس و به سال ۱۰۳۸ هجری بوده است.

در کتب مختلف رجال، به تاریخ ولادت و استادان و مشایخ وی اشاره ای نشده؛ و این نکته مورد صراحت و اتفاق است که ایشان متمایل به مسلک صوفیه بوده<sup>۱۱</sup>، و مدتی با «دده مصطفی» در مولویخانه معاشرت داشته<sup>۱۲</sup>، و به گفته تذکره نصرآبادی مدتی از عمر خود را در خانقاه مولویها گذرانده است<sup>۱۳</sup>.

ملا عبدالباقی با سید میرزا ابراهیم همدانی ارتباط دوستی و صفا و صمیمیت داشته و بین آنها مراسلات و مکتوبات برقرار بوده است<sup>۱۴</sup>. سید ابراهیم همدانی در گذشته به سال ۱۰۲۶ ق. از علمای صاحب نظر در معقولات و فلسفه بود و آرا و نظراتش در معقولات نزد علمای معاصرش قابل قبول و معتبر بود، تا آنجا که شیخ بهایی علم ایشان را بر میرداماد ترجیح می داده است<sup>۱۵</sup>. نمونه ای از مکتوبات و مراسلات بین عبدالباقی و سید ابراهیم همدانی در همین بخش آورده می شود.

عبدالباقی، به حسن خط در نسخ و ثلث معروف بود و از مشاهیر خوشنویسان نسخ و به خصوص ثلث دوره صفوی است. سپهر و میرزا سنگلاخ، وی را خوشنویس نستعلیق هم دانسته اند، اما آثاری به نستعلیق از ایشان یافت نشده است<sup>۱۶</sup>. از استادان عبدالباقی در خط، علاءالدین تبریزی، از استادان معروف خط در تبریز بود که این استاد، شاگردانی همانند عبدالباقی و علی رضا عباسی را تربیت کرد<sup>۱۷</sup>.

از حکایات قابل توجه که در متون مختلف نقل شده است، دعوت شاه عباس بزرگ در هنگام بنای مسجد جامع عباسی از او برای نوشتن کتیبه های آن مسجد است که شاه عباس، محمدحسین چلبی را به دنبال عبدالباقی

۱۰. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۵۹؛ فهرست سپهسالار، ج ۲، ص ۱۳۱
۱۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۵۹؛ أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۴۳۳
۱۲. الذريعة، ج ۹، ص ۱۲۳
۱۳. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۵۹؛ أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۴۳۳
۱۴. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۶۰
۱۵. طبقات أعلام الشيعة قرن ۱۱، ص ۱۳
۱۶. احوال و آثار خوشنویسان، مهدی بیانی، ص ۳۶۴
۱۷. همان، ص ۱۱۱۳



۵. نامه فلسفی - عرفانی او به میرزا ابراهیم همدانی . در میان آثار ذکر شده، از تفسیر قرآن و شرح الصحیفة السجّادیه، نسخه ای اعم از خطی و چاپی، رؤیت نشده، و فقط شیخ آقابزرگ تهرانی از صاحب ریاض نقل کرده که نسخه ای از این دو تألیف عبدالباقی، نزد ملا رفیعاگیلانی موجود بوده است. ۲۵ همچنین از دیوان شعر او نیز نسخه ای مشاهده و معرفی نشده و شیخ آقابزرگ تهرانی، خود قطعه ای از این دیوان را ضمن مجموعه ای در کتابهای شیخ موسی اردبیلی در نجف رؤیت کرده است. بنابراین، در میان کتابهای عبدالباقی، تنها نسخه هایی چند از تفسیر نهج البلاغه با نام منهاج الولاية فی نهج البلاغه در مخازن نسخ خطی مختلف موجود بوده است.

## منهاج الولاية و نسخه های خطی آن

پس از تفحص و جستجو در مخازن نسخ خطی و کتابخانه های متعدد، نسخه های خطی زیر از منهاج الولاية رؤیت شد و در اختیار نگارنده قرار گرفت.

۱. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۸۸۶۲. این نسخه به خط مؤلف است و فقط مباحث باب اول از دوازده باب کتاب را دربردارد.

۲. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۵۲۶. این نسخه تمامی ابواب کتاب را دارد، اگرچه در آغاز و انجام آن کمی - یک یا چند برگ - افتادگی دارد و کتاب و تاریخ کتابت آن نامعلوم است.

۳. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۰۰۳. این نسخه به سال ۱۰۹۶ قمری و با خط بهاءالدین حافظ بن محمدتقی عبدالعظیمی کتابت شده است و تمامی ابواب کتاب را دارد.

۴. نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۲۹۹. این نسخه تا واسط باب ششم را دربردارد و به خط مؤلف است. بیشتر مطالب کتاب در این نسخه نامرتب و جابه جا است.

۵. نسخه دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۷۶۸. این نسخه تا آخر باب سوم کتاب را دربردارد و کتاب و زمان کتابت آن نامعلوم است.

۶. نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره ۱۸۳۱. این نسخه فقط مشتمل بر مباحث باب اول کتاب همراه با افتادگی در آخر آن است.

فرستاد تا برای انجام این امر از بغداد به اصفهان بیاید، اما وی دعوت شاه را نپذیرفت. در برخی از متون آمده که پس از فتح قندهار توسط شاه عباس، عبدالباقی دعوت شاه را اجابت کرد و به اصفهان آمد و کتیبه مسجد جامع را نگاشت، اما در ریاض العارفین چنین آمده که پس از فتح بغداد، عبدالباقی را برای نوشتن کتیبه مسجد به اصفهان آوردند. شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعة گفته دوم را صحیحتر می داند<sup>۱۸</sup> و در ریحانة الأدب و دانشمندان آذربایجان نیز این سخن چنین نقل شده که شاه عباس پس از گرفتن بغداد، عبدالباقی را به اصفهان برد و او را وادار کرد تا کتیبه مسجد را بنویسد<sup>۱۹</sup>. خطوط گنبد بزرگ و صفحه مقابل و طاق در مسجد جامع عباسی از اوست<sup>۲۰</sup>. این قطعه در حکایت از اوست<sup>۲۱</sup>.

در قصه شنیدیم کزین پیش بزرگی  
یک بدره<sup>۲۲</sup> زر داد به یک بیت فلانی  
ما هم به طمع، پیش بزرگان زمانه  
بستیم میانی و گشادیم زبانی  
بردیم بسی رنج و نشد حاصل از این کار  
جز خوردن خونی و به جز کندن جانی  
گر تربیت این است بسا کاهل سخن را  
دل تافته گسردد چو تنور از پی نانی  
عنقا و کرم هر دو یکی دان که از ایشان  
جز نام نیابند به تحقیق نشانی  
ای اهل هنر، قصه همین است که گفتیم  
هان تا نفروشید یقینی به گمانی

\*\*\*

این ابیات نیز از اوست<sup>۲۳</sup>:  
اهل دل، کی ز پی سلطنت و جاه رود؟  
کیست کز تخت فرود آید و در چاه رود؟

\*\*\*

بود کلام تو ثبتم به صفحه صفحه دل  
به سینه ام دل صدپاره، مصحف بغلی است

## آثار و تألیفات عبدالباقی

تألیفات عبدالباقی که در متون مختلف از آن یاد شده است، چنین است<sup>۲۴</sup>:

۱. تفسیر قرآن کریم به طریقه تصوف و با مذاق عرفانی.

۲. تفسیر نهج البلاغه به فارسی و مبسوط به طریقه تصوف و عرفان.

۳. شرح الصحیفة الكاملة السجّادیه، مبسوط و به طریقه تصوف و عرفان.

۴. دیوان شعر.



۱۸. الذریعة، ج ۹، ص ۱۲۳.
۱۹. ریحانة الأدب، ج ۲، ص ۲۱۱؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۱۴۴.
۲۰. تذکرة خط و خطاطان، میرزا حبیب اصفهانی، ترجمه چاوش اکبری، ص ۷۷.
۲۱. ریحانة الأدب، ج ۲، ص ۲۱۲؛ تذکرة خط و خطاطان، ص ۷۶.
۲۲. بدره: همیان که در آن هزار یاده هزار و یا هفت هزار درهم و دینار باشد.
۲۳. تذکرة خط و خطاطان، ص ۷۶.
۲۴. اعیان الشیعة: ج ۷، ص ۴۳۳؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۵۹؛ الذریعة: ج ۴، ص ۲۸۰؛ ج ۲۳، ص ۱۷۹؛ ج ۱۳، ص ۳۵۲ و ج ۹، ص ۶۸۲.
۲۵. الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۵۲.